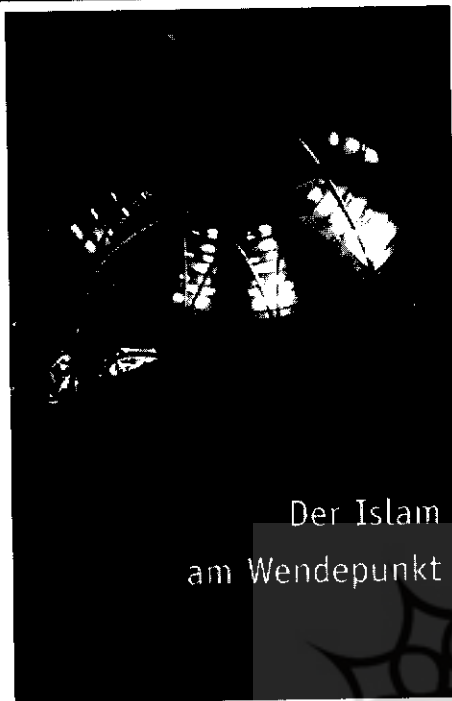


# اسلام در معرض تحول

مارتینا صبرا

مترجم: پریسا رضایی



Der Islam  
am Wendepunkt

می‌توانست مناسب باشد، خانمی که در مقام یک دانشمند و کارشناس امور مربوط به حقوق زنان در اسلام، فقط بر تازه‌ترین اصلاحات در حقوق خانواده در مراکش تأثیرگذار نبوده است.

فصل مربوط به "فعالیت اسلامی در زمینه حقوق زنان در حقوق بشر" نیز با توجه به اهمیتی که این موضوع دارد، کم‌مایه به نظر می‌رسد و در اینجا نیز معیارها به خوبی روشن نیستند: نادیه یاسین اهل مراکش به آراء وی در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد، نه فردی فعال در امور زنان و نه از فعالان حقوق بشر است، بلکه سخنگوی جنبشی به شمار می‌آید که مردان آن را رهبری می‌کنند.

این واقعیت که نادیه یاسین برای افزایش سهم زنان در مجمع رهبری این جنبش تلاش می‌کند، از او یک فمینیست نمی‌سازد. علاقه اصلاح‌طلبانه نادیه یاسین تاکنون نه متوجه دین، بلکه متوجه نظام سلطنتی مراکش بوده که مایل است یک جمهوری اسلامی را جایگزین آن سازد. این نکته مهم می‌ماند که در این جمهوری اسلامی، جایگاه دموکراسی، حقوق بشر و حقوق زنان چگونه خواهد بود.

## لائسیسم یک گزینه نیست

بازگشت به خود یا گشایش درها به سوی جهان مدرن جهان اسلام به کدامین سو می‌رود؟ این پرسشی است که پاتریک هانتی، کارشناس علوم سیاسی سوئیسی در پستگفتار به آن می‌پردازد.

از نظر هانتی مسئله این نیست که آیا اسلام با تجدد همخوانی دارد یا خیر، زیرا زنان و مردان مسلمان مدت‌هایی طولانیست که در بطن یک جهان مدرن، زندگی روزمره‌شان را می‌گذرانند، حتی اگر الهیات‌شناسی و ایدئولوژی خود را یکدک کنند. از نظر هانتی پرسش مهم‌تر این است که جوامع دارای شاخص اسلامی، در درازمدت به سوی چه الگویی گرایش دارند. هانتی تفکیک سرسختانه میان دین و دولت بنا بر الگوی فرانسوی را در جهان اسلام نه محتمل و نه شایان تلاش می‌داند. هانتی این را محتمل می‌داند که رابطه میان دین و دولت در جوامع دارای مشخصه اسلامی بنا بر الگوی انگلیسی - آمریکایی بسط یابد. این بدان معناست که دولت به عنوان دولت، مذهبی نیست، اما تدین در ملا عام نقشی عمده ایفا می‌کند و این امر تضادی هم با تجدد تلقی نمی‌شود.

"اسلام در معرض تحول: اصلاح‌طلبان لیبرال و محافظه‌کار در یک دین جهانی"

مولفان: کتابیون امیرپور و لودویگ عمان، انتشارات هر، در ۱۹۲ صفحه

اسلام قابلیت اصلاح را دارد و بر آن است که دست به نوآوری زند: این نظریه اصلی است که در کتاب جدید "اسلام در معرض تحول" مطرح می‌شود. این کتاب مجموعه‌ای از توصیفات کوتاه درباره اصلاح‌طلبان مسلمان در عصر حاضر است. گزارش زیر را از مارتینا صبرا می‌خوانیم:

مسلمانان عصر جدید چگونه ایمان خود را با عصر تجدد همخوان می‌سازند؟ آنان چگونه اسلام را با دموکراسی و حقوق بشر سازش می‌دهند؟ در جهان اسلام درباره درکی صحیح از اسلام شورمندان بحث می‌شود.

مجموعه مذکور با ارائه ۱۹ توصیف درباره شخصیت‌های اصلاح‌طلب در جهان اسلام، تنوع بحثی را به اثبات می‌رساند که این روزها از اندونزی تا ایالات متحده آمریکا بر سر زبان‌هاست و می‌توان گفت که ریشه‌های تاریخی آن به نحوی به سراغ‌های اسلام بازمی‌گردد. مولفان این کتاب آگاهانه برای اصطلاح "اصلاح‌طلب" گستره‌ای بزرگ‌تر از حد مرسوم را در نظر گرفته‌اند - یعنی به مفهوم reformare لاتین به معنای "تحقق مجدد موارد پیشین" - که علاوه بر دیدگاه‌های لیبرالی، دیدگاه محافظه‌کارانه را نیز لحاظ می‌کند.

## اصلاح‌طلبان لیبرال و محافظه‌کار

ز این روست که طیف محافظه‌کارانی که در این کتاب بررسی می‌شوند از شیستری، متاله ایرانی پیشگام را که در مکتب امانوئل کانت و هرمنوتیک مدرن تعلیم یافته است تا طارق رمضان، این محافظه‌کار سوئیسی و فرید اسحاق که از نظریه‌پردازان اهل آفریقای جنوبی است و جیحان الحلقوی، بانوی مسلمان مصری را دربر می‌گیرد.

توصیف شخصیت در این کتاب در مجموع در پنج فصل تنظیم یافته است. سرعنوان‌های مربوط به هر یک از این شخصیت‌ها، مهم‌ترین چالش‌های اصلاح‌طلبان معاصر را دربر می‌گیرد: اسلام در جوامعی با اکثریت غیرمسلمان، رابطه اسلام و دموکراسی، نقش حقوق اسلامی (شریعت) در کشورهای متجدد، تفسیری از اسلام که منطبق با شرایط زمانه باشد و اهمیت حقوق زنان و حقوق بشر در قرآن. هیچ یک از شخصیت‌های اصلاح‌طلبی که در این کتاب معرفی می‌شوند واجد جایگاهی جهانی نیستند؛ همه این افراد بر اساس یک دیدگاه مذهبی به استدلال می‌پردازند. از نظر خوانندگان غیرمسلمان اروپایی، بویژه آن پیشگامانی که در عرصه اروپایی صاحب نفوذ بوده‌اند و در صدر آنان، طارق رمضان فیلسوف و اسلام‌شناس متولد ۱۹۶۲ در ژنو جالب توجه هستند.

## مسلمانان در مقام اقلیت در اروپا

لودویگ عمان، کارشناس اسلام از شهر فرایبورگ این اتهام مکرر را که طارق رمضان گرگی در پوست گوسفند است، مردود می‌شمارد. به گفته او، هرچند رمضان از شریعت به عنوان سرچشمه حقوقی دفاع می‌کند، اما از سوی دیگر، حق انحصاری تفسیر برای روحانیون منتصب مسلمان را نیز باور ندارد.

بنا به نوشته عمان، هرچند رمضان یک اصلاح‌طلب لیبرال به شمار نمی‌آید، اما فردی مرتجع نیز محسوب نمی‌شود: "او محافظه‌کاری است که وضعیت ملتی را که زیر بار کمرشکن تحولات قرار دارد، از همان مرحله‌ای که در آن قرار گرفته است، پیگیری می‌کند."

اما همزمان این پرسش مطرح می‌شود که چرا ناشر گزینش خود از اصلاح‌طلبان زن و مرد را به خاورمیانه و خاور نزدیکه ترکیه و اروپا محدود کرده است. از ذکر نمونه‌هایی در عربستان سعودی و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس هیچ خبری نیست. از مراکش، الجزایر و تونس هم جز یک مورد استثنایی (نادیه یاسین) ذکری به میان نیامده است. احتمالاً دلیلی برای این گزینش وجود داشته است، اما به جا می‌بود اگر در این زمینه در پستگفتار یا در پیشگفتار اطلاعاتی به خواننده داده می‌شد. همچنین جای پرسش دارد که آیا اهمیتی که به هر یک از مضامین داده شده است، درخور آنها هست یا خیر. فصلی که به اصلاحات مربوط به شریعت اختصاص داده شده است، در قیاس با اهمیت اجتماعی این مضمون و پویایی واقعی که این امر، دستکم در کشورهای عربی دارد، کم‌رونق می‌نماید.

در این فصل برای نمونه ترسیم چهره‌ای از فریده بنانی، فقیه مراکشی